

سید حمیری در محضر قرآن

نگارش:

مصطفی شیروی خوزانی



چکیده:

این نوشتار در پی معرفی یکی از شعرای اسلام است که در اشعارش گرایش‌های عقیدتی و سیاسی هویداست و همچنین در مواردی از آیات قرآن کریم در بیان فضایل و مناقب ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام به ویژه حضرت علی علیه‌السلام اقتباس کرده است. این شاعر، سید حمیری نام دارد که امام صادق علیه‌السلام وی را «سیدالشعراء» نامیده‌اند.

مقدمه:

ادب متعالی آن است که از عاطفه و احساس لبریز باشد و از عقیده و ایمان سرچشمه گیرد و عقیده در پیدایش و خلق آن، بیش از هر چیز دیگری ایفای نقش کند؛ و شعر شاعر، پاسخی است به ندای فطرت و ایمان خویش.

بدیهی است در چنین حالتی، ادب رنگ عقیدتی به خود گرفته و جز در موارد خاص، از این چهارچوب خارج نخواهد شد. این موارد خاص عبارتند از: ترس و طمع و سودجویی و غیره که شاعر و ادیب را از گرایش فطری و عقیدتی‌اش خارج می‌کند و موجب می‌شود تا امور غیر واقعی را به عنوان حقیقت و واقعیت منعکس نماید. شعرای شیعه غالباً پاسخگوی ندای فطرت خود بوده و واژه‌ها و کلماتی را به کار برده‌اند که بیان‌کننده‌ی ایمان و عقیده‌ی راسخ آن‌هاست و به همین دلیل، مفاهیم و مضامین اسلامی و قرآنی در اشعارشان به وفور یافت می‌شود.

چون شیعه پنهان و آشکار، همواره در مبارزه و ستیز با امویان و عباسیان بوده است، می‌توان گفت تمامی شعر شیعه، جنبه‌ی سیاسی نیز داشته و به نوعی با سیاست در ارتباط بوده است؛ زیرا کلیه‌ی اغراض شعری آن مانند مدح و رثاء، هجو و... هدفی جز دفاع از حق نداشته است. حتی می‌توان گفت مدح‌های اضطراری شاعران شیعه از بنی‌امیه و بنی‌عبّاس نیز کاملاً جنبه‌ی سیاسی دارد؛ زیرا از باب تقیّه و حفظ جان برای استمرار مبارزه و یاری مذهب خود بوده است. بنابراین می‌توان گفت شعر شیعه، شعری است سیاسی - مذهبی.

شیعه در جنب حرکت منظم و سازمان یافته‌ی علمی - عقیدتی، پیوسته علیه امویان در عصر اموی و علیه عباسیان در عصر عباسی شوریده و انقلاب کرده است، و از جمله علل و اسباب این انقلاب‌ها به طور خلاصه عبارتند از: قیام علیه غاصب و مطالبه‌ی حقّ شرعی، اعتراض علیه نظام فاسد، واکنش در مقابل فشارهای سخت دستگاه حکومتی ستمگر و به خصوص قیام امام حسین علیه السلام و شهادت مظلومانه‌ی او و یارانش و...

این حوادث در ادبیات شیعه تأثیر فراوان داشته و شاعر شیعی در واقع شاعری است متأثر، حزین و با قلبی مجروح که مخاطب خود را به قیام و یاری مظلوم فرا می خواند که از نمونه های بارز آن اشعار دعبل خزاعی است.

عشق و عاطفه و احساس، محکم ترین و قویترین پایه های ادب هستند که اگر با بیانی فصیح و روان و با روحیه ای شاعرانه درهم آمیزند، زنده ترین و سحرآمیزترین گفتارها و بیانها از آنها به دست می آید و همه ی این عناصر در نزد شیعه جمع است؛ هم لسان، هم عاطفه و هم فاجعه؛ لذا منبع الهام این ادب سه چیز است:

۱. عاطفه ی عشق و محبت که از آثار آن مدح و قصه است.
۲. عاطفه ی حزن و اندوه که رثای سوزناک زائیده ی آن است.
۳. عاطفه ی خشم و غضب که از آثار آن هجاء و مناقضه است.

سید حمیری

نام او «اسماعیل» فرزند «محمد بن یزید بن ربیعة» و کنیه اش «ابوهاشم» از کودکی ملقب به «سید» بوده است و امام صادق علیه السلام او را «سید الشعراء» نامیده است. وی اهل «حمیر» - قبیله ی عربی - یمنی است که در عمان و در سال ۱۰۵ هـ دیده به جهان گشود و در بصره بزرگ شد.^۱

بصره در آن زمان مرکز علم و ادب و مذاهب مختلف و محل آمد و رفت ملل گوناگون بود. پدر و مادر سید «اباضی» و از دشمنان سرسخت حضرت علی علیه السلام بودند و حضرت را سب می کردند. بدین رو سید برای دوری جستن از آنها بیشتر اوقات خود را خارج از خانه و در مساجد می گذراند. خودش در این زمینه می گوید: «وقتی خردسال و نوجوان بودم همواره می دیدم که پدر و مادرم سب امیرالمؤمنین علیه السلام می کنند و من برای اجتناب از آنها از خانه بیرون می رفتم و در مساجد می ماندم و تحمل گرسنگی را بر بازگشت به خانه ترجیح می دادم؛ تا این که قدری بزرگتر شدم و به سرآیدن شعر پرداختم در این هنگام به پدر و مادرم گفتم حد اقل وقتی من نزد شما هستم از سب امیرالمؤمنین

خودداری نمایند؛ اما آن‌ها به عمل زشت خود ادامه دادند. سپس مرا تهدید به قتل کردند.^۲

بدین ترتیب سید مجبور می‌شود برای حفظ عقیده‌اش منزل پدر و مادر خود را برای همیشه ترک کند.

تاریخ نگاران اتفاق نظر دارند که سید حمیری در مدتی از عمر خود، پایبند مذهب کیسانی و قائل به امامت محمد بن حنفیه بوده است. ولی از آن‌جا که فرقه‌های کیسانی مختلف هستند، باید دید سید حمیری به کدامین دسته از آن‌ها گرایش داشته است؟ برخی از فرقه‌های کیسانی، محمد بن حنفیه را پس از حضرت علی علیه السلام امام و جانشین ایشان می‌دانند و برخی از آن‌ها وی را پس از امام حسین علیه السلام و امام چهارم می‌دانند که خود اینها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروهی که معتقدند محمد بن حنفیه در کوههای «رضوی» غایب شده و بعداً ظهور خواهد کرد، و گروهی که معتقدند محمد بن حنفیه از دنیا رفته و خود بر سر وصی او اختلاف پیدا کرده‌اند که عده‌ای از این گروه قائل به تناسخ ارواح و حلول و... هستند.^۳ اشعار سید حمیری گویای آن است که وی قائل به امامت محمد بن حنفیه پس از امام حسین علیه السلام بوده و معتقد است که محمد حنفیه با ۴۰ نفر از اصحابش در کوههای «رضوی» غایب گردیده است.^۴

بنابراین، آنچه امثال ابن حزم و طه حسین به او نسبت می‌دهند که وی قائل به تناسخ و حلول و اهل خرافه بوده است عاری از حقیقت می‌باشد و ناشی از عدم شناخت درست فرقه‌های مختلف کیسانیه است.^۵

گرویدن سید حمیری به مذهب جعفری

در مورد تغییر مذهب ایشان روایات بسیار و متفاوتی وجود دارد که قدر جامع آن‌ها این است که سید حمیری با امام صادق علیه السلام ملاقات کرده، به برکت این دیدار دست از

مذهب کیسانی برداشته و در زمره‌ی معتقدان راستین مذهب جعفری قرار می‌گیرد که در این زمینه روایاتی از ابن معتنز، صدوق، مرزبانی و شیخ مفید و اشعاری از سیند که دلالت بر آن دارد در متن رساله ذکر شده است و به اتهاماتی که به ایشان وارد شده، پاسخ داده شده است.

مقام ادبی سیند حمیری

سیند حمیری در نزد ادیبان از جایگاه شعری والایی برخوردار است. شاعری است با ذوق، هنرمند، حسّاس، باریک بین که بدون تکلف شعر می‌گوید و از تعقید و غرابت بدور است، حتی بعضی او را بر جریر مقدم دانسته‌اند.^۶

ابو فرج اصفهانی گوید: سیند روش و سبک شعری خاصی دارد که بندرت کسی به پای او می‌رسد. در جایگاه بلند وی همین بس که در آغانی از یکی از فرزندان ابوالأسود دُثلی نقل می‌کند که گفته: ما به همراه سیند نزد ابو عمرو ابن العلاء نشسته بودیم و گفتگو می‌کردیم و وقتی مشغول سخن گفتن در کشت و زرع و امور دنیوی شدیم، سیند ناگهان بلند شد که مجلس را ترک کند؛ هنگامی که سبیش را جویا شدیم در جواب گفت:

إِنِّي لَأَكْرَهُ أَنْ أَطِيلَ بِمَجْلِسٍ لَا ذَكَرَ فِيهِ لِفَضْلِ آلِ مُحَمَّدٍ
لا ذَكَرَ فِيهِ لَا حَمْدٍ وَ وَصِيَّةٍ وَ بَنِيهِ ذَلِكَ مَجْلِسٌ نَطَقَ رَدِيٌّ^۷

در اشعار سیند حمیری فنون مختلف و اغراض متنوعی یافت می‌شود؛ مانند غزل، هجو، مدح، رثاء، فکاهی و غیره ولیکن اکثر اشعار او در مدح است، ولی نه مدح رایج و بی‌ارزشی که هدف صاحبان آن، رسیدن به متاع دنیا و دست یافتن به عطایای پادشاهان است. چراکه سیند خود بشّار شاعر را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید:

أَيُّهَا الْمَادِحُ الْعِبَادَ لِيُعْطَى إِنَّ لَّهِ مَا بَأْيَدِي الْعِبَادِ
فَسَأَلُ اللَّهَ مَا طَلَبْتَ إِلَيْهِمْ وَ أَرْجُو نَفْعَ الْمَنْزَلِ الْعَوَادِ
لَا تَقُلْ فِي الْجَوَادِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَ تَسْمَى الْبَخِيلَ بِاسْمِ الْجَوَادِ^۸

سید حمیری یک شاعر معمولی نبوده، بلکه علاوه بر شاعر بودن، در علوم مختلفی مانند لغت، نحو، بلاغت و حتی فقه و کلام و تاریخ صاحب نظر بوده است. کسی که به موارد احتجاجات سید نظر کند و به معنای بلندی که در اشعارش آورده دقت نماید، برایش روشن و آشکار خواهد شد که تا چه حد در فهم مفاهیم قرآن کریم و فقه و کلام توانا بوده است.^۹

اقتباس آیات در اشعار سید

به جرأت می‌توان گفت که سید حمیری در اکثر فضائل و مناقب حضرت علی علیه السلام شعر سروده است؛ ولی ما بیشتر روی مواردی تکیه کرده‌ایم که متضمن آیات قرآن کریم بوده است و در این مختصر تنها به چند نمونه اشاره و به ذکر رئوس عناوین اکتفا می‌گردد.

۱. درباره‌ی اسلام آوردن حضرت علی علیه السلام و پیشی گرفتن حضرت از دیگران در این امر: همه متفق‌اند که سبقت گرفتن در اسلام بزرگترین فضیلت است.^{۱۰} لذا سید حمیری به این مسأله اشاره کرده و با اقتباس از آیه‌ی «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (توبه/ ۱۰۰) اشعار جالب توجه‌ی سروده است که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

لعمری لئن كان للسابقین
وسيلة فضل علی التابعینا

لقد كان للسابق السابقین
علیهم من الفضل ما تدعوننا

همچنین به آیه «یا یحیی خذ الكتاب بقوة و آتیناه الحکم صبیاً» (مریم/ ۱۲) استشهاد می‌کند و می‌گوید:

و قد أوتی الهدی و الحکم طفلاً
کیحیی یوم اوتیه صبیاً

به اعتقاد سید، حضرت علی علیه السلام در کودکی مشمول هدایت الهی قرار می‌گیرد، ولی چون مخالفان، آن را بعید می‌انگارند، سید در جواب، از فرهنگ قرآنی خود مدد می‌گیرد و با استشهاد به قرآن کریم آن را برهانی می‌کند.

و نیز به آیه ۵ سوره ی جمعه اشاره کرده، می‌گوید:

من كان صلّى القبليتين و قومه
مثل النواحق تحمل الاسفارا
من كان فى القرآن سمى مؤمناً
فى عشر آيات جعلن خيارا

۲. درباره‌ی علم و آگاهی حضرت علی عليه السلام:

علاوه بر احادیث اهل بیت عليهم السلام، اهل سنت نیز معترفند که مقصود از آیه‌ی «و من عنده علم الكتاب» (رعد/۴۴) علی عليه السلام است.^{۱۱} سید حمیری در این باره اشعار متنوع و جالبی دارد که نمونه‌ای از آن بدین قرار است:

من عنده علم الكتاب و حکمه
من شاهد يتلوه منه نذارا
علم البلايا و المنايا عنده
فصل الخطاب نمی‌الیه و صاراً^{۱۲}

۳. خوابیدن حضرت علی عليه السلام در بستر حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم

سید حمیری در قصاید بسیاری حادثه «مبیت» را متذکر شده و در بیان آن از کلام الله مجید به نحو شایسته‌ای استفاده نموده است که به یک مورد آن اشاره می‌شود:

و لیسلة كاد المشركون محمداً
شری نفسه لئه اذبت لا تشری
فبات مبيتاً لم یکن لیبیته
ضعیف، عمود القلب منتفخ السحر^{۱۳}

در شعر فوق سید آیه‌ی «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» (بقره/۲۰۷) را اقتباس نموده است. به همین ترتیب، موضوعات گوناگون مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته که آوردن همه آنها در این مقاله مقدور نیست، لذا به ذکر رئوس عناوین موضوعات اکتفا می‌کنیم:

- شرح انفاق و ایثار حضرت علی عليه السلام و بیان وصایت ایشان.

- بیان نخستین دعوت آشکار پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم تحت عنوان حدیث بیعة العشیره.

- بیان عقد اخوت و برادری بین رسول خدا و علی عليه السلام و شرح منزلت ایشان در نزد

پیامبر که به منزله نسبت هارون به موسی است و اینکه حضرت، برادر و وارث پیامبر هستند.

- توصیف قرابت و نزدیکی امیرالمؤمنین علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شرح اختصاص ایشان به رسول خدا و بیان حدیث «أنت منی و أنا منک».^{۱۴}
- بیان نزول آیات برائت و مأمور شدن علی ابن ابی طالب برای ابلاغ آن به اهل مکه.
- شرح قضاوت‌های آن حضرت و این‌که به اعتراف رهبران اهل سنت، علی علیه السلام عادل‌ترین قاضی پس از رسول خدا است.^{۱۵}
- توصیف محبت ملائکه نسبت به امیرالمؤمنین و سلام ملائکه بر ایشان در شامگاه بدر.
- بیان شجاعت و بیکار حضرت در جنگ احزاب.
- شرح حادثه غدیر خم و نصب و جانشینی حضرت علی علیه السلام در حجة الوداع.
- توصیف منزلت و جایگاه ایشان در روز قیامت و روز حساب و دیگر فضائل او، و انگیزه سید در مدح حضرت، و ردّ کسانی که حضرت را در بردشان با ناکثین و قاسطین و مارقین نکوهش می‌کنند، و نهی از سبّ و دشنام‌گویی به حضرت.
- در بیان ولایت اهل بیت، و آل عبا، طهارت ائمه اطهار علیهم السلام، و حادثه‌ی مباحله با اهل نجران.
- محبت و دوستی با اهل بیت و مدح و منتقبت ایشان، به خصوص مدح امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام صادق علیه السلام و شرح ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام.
- مسأله رجعت، فضیلت مسجد کوفه، عدول از مذهب کیسانی، و موضوعات دیگری که ذکر آن‌ها به طول می‌انجامد.
- سید حمیری در بیان همه این موضوعات، استادانه و با ظرافت از آیات قرآنی استمداد طلبد و اشعار خود را مزین به کلام الهی نموده است که علت بقای آن را نیز باید همین دانست.

پن نوشتها:

۱. ابوالفرج الاصفهانی (۱۴۰۷ هـ)، الأغانی، ج ۷، ص ۲۴۸.
۲. محمد بن عمران المرزبانی (۱۴۱۳ هـ)، اخبار شعراء الشيعة، فی ۱۵۴.
۳. احمد الشهرستاني (۱۴۰۶ هـ)، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۴۷.
۴. السيد الحمیری (بی تا)، دیوان ص ۵۱ و ۴۹.
۵. محمد تقی الحکیم (بی تا)، شاعر العقیده، ص ۳۲.
۶. ابوالفرج الاصفهانی (۱۴۰۷ هـ)، الأغانی، ج ۷، ص ۲۵۹.
۷. همان، نج ۷، ص ۲۵۹ و ۲۶۸.
۸. همان نج ۷، ص ۲۵۶.
۹. احمد الأمینی (۱۴۱۰ هـ)، الغدير، ج ۲، ص ۲۷۵.
۱۰. ابن شهر آشوب (۱۳۷۹ هـ)، مناقب، ج ۲، ص ۲.
۱۱. السيد الحمیری (بی تا) دیوان، ص ۲۱۷.
۱۲. همان، ص ۲۱۳.
۱۳. همان، ص ۲۴۹.
۱۴. ابن شهر آشوب (۱۳۷۹ هـ)، مناقب، ج ۲، ص ۲۱۷.
۱۵. ابن الأثیر (بی تا)، اسد الغابة، ج ۴، ص ۲۹.